جزء اول: داستان آدم

مقدمه: ویژگی داستان‌های قرآنی

داستان‌های قرآن ویژگی‌های متعددی دارند. یکی از آنها این است که در عین حالی که حقیقی و واقعی هستند و تخیلی و توهمی نیستند، داستان‌هایی قابل تعمیم هستند. حدود یک‌سوم آیات قرآن‌کریم (۲۲۰۰ آیه) پیرامون زندگی پیامبران الهی است که این پیامبران تجلی توحید و اسوه‌های کمال‌یافتگی هستند. داستان بسیار مهمی که در جزء اول خداوند متعال به آن اشاره کرده است، داستان خلقت آدم می‌باشد. حضرت آدم به عنوان خلیفةالله، نمادی برای سایر انسان‌ها است و در عین اینکه این داستان در برهه ای از تاریخ رخ داده است اما مختص ایشان و عصر ایشان نیست و برای هر انسانی به اشکال گوناگون قابل تکرار است.

اجمالی از داستان خلقت حضرت آدم

در آیات مربوط به خلقت حضرت آدم –آیات ۳۰ تا ۳۹ سوره مبارکه بقره– سه محور وجود دارد:

محور اول: عظمت آدم

خداوند متعال به ملائکه خبرداد که می‌خواهد بر روی زمین خلیفه‌ای قرار دهد که آن خلیفه آدم است، کسی که نماینده خدا بر روی زمین است و صفات او پرتویی از صفات خداوند متعال است. فرشتگان

اعتراض کردند و عرضه داشتند: خدایا! این انسانی که می‌خواهی بیافرینی در زمین فساد و خونریزی می‌کند در حالی‌که ما تو را تقدیس و تسبیح می‌کنیم. چرا می‌خواهی کس دیگری را به عنوان خلیفه قرار دهی؟ خداوند متعال فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. شما زود قضاوت کردید چرا که انسان ویژگی‌هایی دارد که به واسطه آن صلاحیت خلافت من و مسجود ملائکه بودن را داراست. در آیه ۳۰ سوره مبارکه بقره می‌خوانیم:

﴿وَإِذْ قالَ رَبُّكَ لِلْمَلائِكَةِ إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قالُوا أَتَجْعَلُ فِيها مَنْ يُفْسِدُ فِيها وَيَسْفِكُ الدِّماءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قالَ إِنِّي أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ﴾ بقره ۳۰

و [یاد کن] هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: مسلماً من جانشینی در زمین قرار خواهم داد. گفتند: آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد می‌کند و خون می‌ریزد؟! در حالی که ما تو را همراه با سپاس و ستایشت تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم. [پروردگار] فرمود: من [واقعیات و اسراری از قرار گرفتن این جانشین در زمین] می‌دانم که شما نمی‌دانید.

سپس خداوند متعال حقایق و اسرار عالم هستی را به آدم آموخت. خداوند به ملائکه نشان داد که آدم قدرت یادگیری اسماء و قدرت کمال یافتگی از مسیر علم را دارد و همین امر نشان‌گر آن است که ارزش انسان به واسطه علم اوست. پس از آن، خداوند متعال به ملائکه دستور می‌دهد که بر آدم سجده کنند. باید توجه داشت که سجده ملائکه بر آدم به جهت توانایی و قدرت علم آموزی است که خدا به او داده و اصلا آدم به همین جهت، شایستگی خلافت خداوند متعال را پیدا کرده است. ملائکه وقتی عظمت آدم را دیدند در برابر او خضوع کردند؛ فلذا میتوان گفت همه قوای ملکوتی عالم در برابر انسانِ کامل خاضع هستند.

محور دوم: ابلیس و استکبار او

در این میان ابلیس و فرزندان او در برابر آدم خضوع نکردند و قرآن علت عدم سجود او را استکبار او معرفی می‌کند. وی خود را برتر و بالاتر از انسان دید و در برابر دستور خدا خاضع نشد. در آیه ۳٤ می‌خوانیم:

﴿وَ إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلاَّ إِبْلِيسَ أَبى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كانَ مِنَ الْكافِرِينَ﴾ بقره ۳٤

و [یاد کن] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید، [پس] سجده کردند مگر ابلیس که سرپیچید و تکبّر ورزید و از کافران شد.

روزنخست خلقت آدم روزآغاز درگیری بین خلیفةالله و مستکبران بود و این درگیری تا روزقیامت ادامه خواهد داشت. درآیه ۱۱۲ سوره مبارکه انعام می‌خوانیم:

﴿وَ كَذلِكَ جَعَلْنا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَياطينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ يُوحي بَعْضُهُمْ إِلى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُوراً﴾ انعام ۱۱۲

و این گونه برای هرپیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم، که برای فریب مردم همواره گفتاری باطل ولی به ظاهرآراسته و دلپسند به یکدیگر القاء می‌کنند و اگرپروردگارت می‌خواست چنین نمی‌کردند، پس آنان و آنچه را به دروغ به هم می‌بافند واگذار.

تمام پیامبران الهی دشمنانی دارند که این دشمنان به جهت استکبار و خودبرتربینی در برابر خلیفه خدا خضوع نمی‌کنند.

پس از آن خداوند متعال به آدم فرمود: تو و همسرت در باغی از باغ‌های زمین ساکن شوید و از همه میوه‌های این باغ بهره‌مند شوید اما به این درخت خاص –که به حسب روایات درخت رذایل بود–[1] نزدیک نشوید. ابلیس آدم را وسوسه کرد. در روایت می‌خوانیم وقتی ابلیس فهمید آدم نیاز به خوراک دارد خوشحال شد وگفت من از همین ناحیه تمایلات انسان به خورد و خوراک می‌توانم براو تسلط پیدا کنم و او را فریب دهم. شیطان آدم را لغزاند و باعث شد از بهشت رانده شود. خداوند فرمود: چون از آن درختی که من شما را نهی کردم خوردید و آلوده شدید باید گرفتار زندگی دنیوی و زمینی شوید. در روایتی از امام حسن ﷺ نقل است که از پیامبر ﷺ سوال شد: چرا امت شما باید سی روزروزه بگیرند؟ حضرت فرمودند:

«إِنَّ آدَمَ ع لَمَّا أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ بَقِيَ فِي بَطْنِهِ ثَلَاثِينَ يَوْماً فَفَرَضَ اللهُ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ ثَلَاثِينَ يَوْماً الْجُوعَ وَ الْعَطَشَ وَ الَّذِي يَأْكُلُونَهُ بِاللَّيْلِ تَفَضُّلٌ مِنَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ وَ كَذَلِكَ كَانَ عَلَى آدَمَ ع فَفَرَضَ اللهُ ذَلِكَ عَلَى أُمَّتِي»[2]

حضرت آدم وقتی از آن درخت بهشتی تناول کرد تاثیرآن ماده غذایی که نباید می‌خورد سی روزدر بدن او باقی ماند. پس خداوند بر فرزندان او سی روز گرسنگی و عطش را واجب کرد و اینکه شب میتوانند بخورند و بیاشامند

---

۱. بحارالأنوار (ط – بیروت)، ج۱۱، ص ۱۸۷.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص ۷۳.

تفضلی از جانب خداست. این همان چیزی است که خداوند برآدم واجب کرد (تا اثر غذای حرام از او خارج شود) و سپس برای امت من نیز آنرا واجب نمود.

پیام این روایت آن است که ما هم مانند جدمان مرتکب خطا و اشتباه می‌شویم و فریب ابلیس را می‌خوریم و در طول سال به آنچه که نباید، نزدیک می‌شویم و البته باید دقت داشته باشیم که این سی روز ماه مبارک رمضان فرصتی است برای بیرون رفتن از تاثیرات گناهانی که در قلب و جان ما رسوخ پیدا کرده‌اند.

محور سوم: توبه حضرت آدم

سرانجام آدم توبه کرد. در آیه ۳۷ می‌خوانیم:

﴿فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِماتٍ فَتابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيم﴾ بقره ۳۷

پس آدم کلماتی را [مانند کلمه استغفار و توسّل به اهل بیت علیهم السلام که مایه توبه و بازگشت بود] از سوی پروردگارش دریافت کرد و [پروردگار] توبه‌اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

آدم پس از آنکه فریب ابلیس را خورد و از بهشت رانده شد پشیمان شد و شروع کرد به گریه کردن و به خداوند متعال عرضه داشت: خدایا! توبه مرا بپذیر. خدای متعال کلماتی را به آدم آموخت او با گفتن این کلمات و جملات، شایسته پذیرش توبه شد. او به پنج تن آل عبا متوسل شد و عرضه داشت:

«اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِمْ لَمَّا تَفَضَّلْتَ بِقَبُولِ تَوْبَتِي وَ غُفْرَانِ زَلَّتِي وَ إِعَادَتِي مِنْ كَرَامَتِكَ إِلَى مَرْتَبَتِي»[1]

ماه مبارک رمضان ماه عبادت و توبه است. ماه توسل و تضرع و توجه به خداوند متعال و توسل به خمسه طیبه و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است که توسل به آنها رمز پذیرش توبه توسط خداوند متعال خواهد بود.

---

۱. بحار الأنوار، ج۱۱، ص ۱۸۹